

## مفهوم‌سازی رویکردهای سیستمی عقلایی، طبیعی و باز به مدیریت

### کلاس درس: چارچوبی برای تحقیق و توسعه

دکتر جعفر ترک‌زاده<sup>۱</sup>، معصومه محترم<sup>۲</sup>، رضا نهاوندی<sup>۳</sup>

#### چکیده:

کلاس درس محلی است که خدماتی مستقیم به فراگیران ارائه می‌دهد تا آنها از جهت فردی و اجتماعی رشد یافته و از این طریق زمینه توسعه همه جانبه جامعه فراهم گردد. آنچه به کیفیت این امر یاری می‌رساند مدیریت کلاس درس است. که ویژگی و نوع آن فرایند یاددهی — یادگیری و در نهایت توسعه جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا، در این مقاله تلاش شده است، پس از مروری مختصر بر مفهوم مدیریت کلاس درس، به توصیف انواع مختلف مدیریت کلاس درس با سه رویکرد سیستمی عقلانی، طبیعی و باز و در نهایت به مقایسه آنها با همدیگر پرداخته شود. این مقایسه بر مبنای ابعاد کلاس درس، برنامه ریزی درسی، تدریس، نقش یاددهنده، یادگیرنده، اثربخشی و کارایی به عمل آمده است. لازم به ذکر است، خروجی این کار، علاوه بر اینکه می‌تواند دیدی نظری در خصوص انواع مدیریت کلاس درس از منظر سه رویکرد سیستمی عقلانی، طبیعی و باز ارائه دهد، می‌تواند مبنایی اولیه برای انجام پژوهش‌های میدانی و عملی در خصوص موضوع مربوطه نیز فراهم آورد.

**واژه‌های کلیدی:** رویکرد سیستمی، رویکرد سیستمی عقلانی، رویکرد سیستمی طبیعی، رویکرد سیستمی باز، کلاس درس، برنامه درسی، تدریس، یاددهنده، یادگیرنده، اثربخشی، کارایی

۱ - دانشیار دانشگاه شیراز، [torkzadeh@shirazu.ac.ir](mailto:torkzadeh@shirazu.ac.ir)

۲ - دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز

۳ - دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه شیراز و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، دماوند، ایران

## مقدمه:

امروزه رویکرد سیستمی<sup>۱</sup> به عنوان یک اصل اساسی و حتی شاید بدیهی در بسیاری از حوزه‌های علمی از جمله آموزش عالی که در خدمت توسعه و تأمین نیروی انسانی و پیشرفت جامعه می باشد، قلمداد می شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳). اما واقعیت آن است که در این زمینه، دیدگاه‌های مختلفی مطرح گردیده است که هر کدام بسته به زاویه‌ی دید و مفروضات آن تصویر و تفسیر متمایزی از موضوع (در اینجا مدیریت کلاس) ارائه می دهد.

نکته‌ی قابل توجه در این بین، آن است که، از آنجا که انسان‌ها و به طور کلی سیستم‌ها عمدتاً مبتنی بر نظام شناختی و باورداشت‌های خود عمل می کنند، دیدگاه‌های ظاهراً نزدیک اما اساساً متفاوت می تواند به بروز تفاوت‌های قابل ملاحظه در ساختارها و رفتارهایی که مبتنی بر آن دیدگاه‌ها متجلی خواهند شد، منجر گردد. به عبارت دیگر تفاوت‌های کوچک در مبادی و مبانی، موجب تفاوت‌های بزرگ و دور شدن‌های وسیع در مقصد خواهد شد. لذا شناخت بیشتر این دیدگاه‌ها می تواند به ما در فهم بهتر موضوع و وضعیت موجود آن در نظام آموزش کنونی و فراهم آوردن مبنایی برای تفکر و عمل در ارتباط با آن یاری رساند.

شایان ذکر است، تعاریف مختلفی که آگاهانه یا ناآگاهانه از رویکرد خاصی نشأت گرفته، از سیستم ارائه شده است<sup>۲</sup>. با این حال اگر بخواهیم تعریفی ارائه نماییم که حتی الامکان به رویکرد خاصی متمایل نباشد می توان گفت، سیستم عبارت است از: «منظومه‌ای از عناصر که با ارتباط متقابل، هیأت، مجموعه یا منظومه‌ی واحدی در راستای تحقق اهداف، کارکردها یا وظایف خاصی تشکیل می دهند». در واقع این تعریف متضمن ویژگی‌های کلیت، ارتباط متقابل، هدفمندی، ساختمان‌دی و کارکردی بودن سیستم می باشد (رابینز، ۱۳۹۱، علاقه بند، ۱۳۹۲). از نقطه نظر کارکردی نیز در سیستم یک جریان تبدیلی به نام فرایند وجود دارد که درون‌داد را پردازش کرده و به برون‌داد تبدیل می کند. لذا، این سه جزء از اولین اجزای اساسی سیستم در نظر

<sup>۱</sup>System approach

<sup>۲</sup>برای مثال ر. ک. رابینز، ۱۳۹۱؛ هوی و میسکل، ۲۰۱۳.

مفهوم سازی رویکردهای سیستمی عقلایی، طبیعی و باز به مدیریت کلاس درس: چارچوبی برای تحقیق و توسعه □ ۷۱

گرفته شده‌اند. اما به مرور با تکمیل مطالعات در زمینه سیستم‌ها دو بُعد بازخورد و محیط نیز به این ابعاد اضافه شد که کیفیت آنها نیز عوامل و عناصر موجود در سیستم‌ها را متأثر می‌سازد لذا توجه به این دو مورد نیز در کنار سه بعد مذکور حائز اهمیت است (هوی و میسکل، ۲۰۱۱).

علاوه بر این، با مرور دیدگاه‌های مختلف سیستمی، هر کدام از منظر خود اجزاء یا مفاهیم دیگری را بر مفهوم سیستم افزودند به گونه‌ای که منجر به غنای آن گشت. به عنوان نمونه، دیدگاه سیستم طبیعی بر تقدم بقای سیستم بر اهداف و کارکردهای دیگر آن، وجود و اهمیت ساختار و روابط غیر رسمی در سیستم و هدایت آن و تأثیر یک طرفه‌ی محیط بیرونی بر ساختار سیستم و دیدگاه سیستم باز به نقش تعیین کننده محیط بیرونی و بازخورد تأکید کردند.

با این و صف انتخاب هر کدام از رویکردهای مذکور پیرامون عناصر مختلف آموزش عالی از جمله مدیریت کلاس درس، توصیف‌های متفاوتی در این باره ارائه می‌دهد که منجر به تعریف متفاوت فعالیت‌ها و فرایندهای یاددهی — یادگیری در کلاس درس می‌شود. لذا در این مقاله تلاش شده است با توصیف مدیریت کلاس درس از منظر هر یک از رویکردهای سیستمی عقلایی، طبیعی و باز، چارچوبی برای تحقیق و توسعه مدیریت کلاس درس از منظر رویکردهای سیستمی در اختیار مدیران، برنامه‌ریزان و مجریان فرایند یاددهی — یادگیری قرار داده شود تا از این طریق بتوانند بهترین رویکرد سیستمی مربوط به مدیریت کلاس درس را متناسب با شرایط و اقتضائات محیط تعاملی کلاس درس و مراکز آموزشی انتخاب کنند و از این طریق به بقای خود در برابر سایر رقبا یاری رسانند. با این وصف در ادامه بعد از بیان چند تعریف پیرامون مدیریت کلاس درس، به توصیف مدیریت کلاس درس از منظر رویکردهای سیستم عقلایی، طبیعی و باز پرداخته شده است.

### **مدیریت کلاس درس**

مدیریت کلاس درس، شامل دامنه گسترده‌ای از فرایندها و تعاملات کلاسی است که علاوه بر آموزش، شامل کلیه تعاملات فراگیران با مدرسان، همدیگر، محیط اجتماعی — فرهنگی و روان‌شناختی کلاس و فعالیت‌های نظارتی معلمان می‌باشد و به رفتارهای فراگیران جهت می‌دهد

(اورتسون رویستین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). بنابراین مدیریت کلاس درس به ایجاد یک محیط امن و تحریک کننده یادگیری اشاره دارد که مرکب از شخصیت معلم، رفتار حرفه‌ای و توانایی‌های اوست و کیفیت فعالیت‌ها و عملکرد فراگیران را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جی جیک و استوئیلکوویچ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). ویلیامز و استرنبرگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۰)، مدیریت کلاس درس را مجموعه‌ای از تکنیک‌ها و مهارت‌هایی می‌دانند که به معلمان امکان می‌دهد فراگیران را به طور اثربخش کنترل نمایند. از نظر نا کامورا<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) نیز موقعیت هر کلاس در نهایت با میزان مشارکت فراگیران در فرایند یاددهی - یادگیری مشخص می‌شود که این امر مستلزم رهبری در کلاس درس است. شوب<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) نیز احترام به فراگیران، شناسایی نقاط قوت آنها و تقدیر از آنها را نشانه رهبری در کلاس درس می‌داند. از نظر کانتی<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) نیز باورهای شخصی معلمان، انتخاب آنها پیرامون رویکرد مدیریت کلاس درس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رایتر و هانکوک<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) پیرامون سبک‌های مختلف مدیریت کلاس درس بیان کردند اینکه باور و عقیده معلمان درباره رشد فراگیران و یادگیری آنها چه باشد، الگوهای رفتاری و سبک‌های مدیریتی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عنوان مثال زمانی که معلمان در ارتباط خود با فراگیران رویکرد کلاسیک و سنتی مدیریت اتخاذ می‌کنند، در این حالت کلاس درس را سیستمی رسمی و مجزای از محیط در نظر می‌گیرند که باید مطابق با قوانین و مقررات خاصی اداره شود. در این حالت معلمان درس نگر هستند و با به کارگیری سبک وظیفه‌مدارانه سعی می‌کنند کلاس درس را به صورت مقتدرانه کنترل کنند (شعبانی، ۱۳۸۶). بنابراین در این شیوه مدیریتی، هدفگذاری، تدوین هدف و برنامه ریزی راجع به استفاده از رسانه‌ها و نحوه ارائه مطالب از جمله فعالیت‌هایی به شمار می‌آید که معلمان به صورت‌های مختلف و با میزان‌های

---

<sup>۱</sup>Evertson&Weistein

<sup>۲</sup>Djigic&Stojiljkouic

<sup>۳</sup>Williams &Strenberg

<sup>۴</sup>Nakamura

<sup>۵</sup>Shobe

<sup>۶</sup>Konti

<sup>۷</sup>Ritter &Honcock

مفهوم سازی رویکردهای سیستمی عقلایی، طبیعی و باز به مدیریت کلاس درس: چارچوبی برای تحقیق و توسعه □ ۷۳

متفاوت انجام می‌دهند (فضلی‌خانی، ۱۳۸۲). اما چنانچه معلمان، کلاس درس را سیستمی اجتماعی و انسانی در نظر بگیرند، با برقراری رابطه با فراگیران و عمل کردن متناسب با شخصیت و نیازهای آنها، رویکرد فردنگری را اتخاذ می‌کنند و به مسائل انضباطی و کنترل کمتر توجه می‌کنند. در واقع در این حالت، معلمان با اتخاذ رویکردی انعطاف‌پذیر تلاش می‌کنند تا متناسب با سبک‌های یادگیری فراگیران به تدریس پردازد (صمدی و همکاران، ۱۳۸۷) و به استانداردهای آموزشی و تربیتی در یک جو انسانی به منظور جلب رضایت هر چه بیشتر فراگیران عمل کنند (رجایی‌پور و همکاران، ۱۳۸۷).

علاوه بر این، اثربخشی مدیریت کلاس درس باید از بعد عملکردی در سه سطح درونی، بیرونی و نهادی مورد توجه قرار گیرد (ترک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳). اثربخشی بیرونی مدیریت کلاس درس به این معناست که فرایندهای یاددهی - یادگیری، ارتباط بین یاددهنده و یادگیرنده و به طور کلی الگوهای رفتاری و اجتماعی در کلاس درس به گونه‌ای سازماندهی و هدایت شود که منجر به تغییر رفتار فراگیران در نتیجه تحقق یادگیری مناسب در کلاس درس شود و آنها را جهت پاسخگویی به نیازها و اقتضائات محیطی که در آن زندگی می‌کنند توانمند سازد. روشن است که تحقق اثربخشی بیرونی مدیریت کلاس درس، مستلزم تحقق اثربخشی درونی آن می‌باشد. به این معنا که کلاس درس باید به گونه‌ای هماهنگ و اداره شود که منجر به ایجاد تناسب و انسجام درونی بین اجزا و عناصر مختلف آن در راستای تحقق کیفیت مورد نظر و اهداف تعریف شده برای جریان یاددهی و یادگیری در کلاس باشد. چنانچه مدیریت کلاس درس از اثربخشی درونی و بیرونی برخوردار باشد زمینه برای تحقق بعد سوم اثربخشی یعنی اثربخشی نهادی فراهم می‌شود. با این وصف اثربخشی نهادی مدیریت کلاس درس پیامد دو اثربخشی مذکور می‌باشد که در صورت تحقق رسالت‌ها و مأموریت‌های نظام یاددهی - یادگیری در مقیاس محلی و ملی محقق می‌شود.

با نظر به آنچه گفته شد در مجموع می‌توان گفت مدیریت کلاس درس به ایجاد یک محیط امن و محرک آموزشی اشاره دارد که کیفیت و نوع آنتحت تأثیر عوامل متعددی از جمله شخصیت، مهارت و توانایی‌های مدیریتی معلمان، نگرش، باور و اعتقاد آنها به آموزش،

یادگیری و مدیریت کلاس درس قرار دارد. لذا در ادامه به توصیف مفهوم کیفیت مدیریت کلاس درس از سه رویکرد سیستمی عقلانی، طبیعی و باز و مقایسه آنها با همدیگر پرداخته شده است.

### رویکرد سیستم عقلانی به مدیریت کلاس درس

از منظر رویکرد سیستم عقلانی<sup>۱</sup> بسته<sup>۲</sup>، کلاس درس به دلیل بیان اهداف معین (روشن، دقیق و تصریح شده)، ارائه‌ی تصویری روشن از غایت مطلوب، برخورداری از معیارهایی برای تشخیص و تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌های مدنظر، تهیه‌ی ساختار و برنامه‌ی مناسب، تخصیص منابع و همچنین مکانیزم ارزشیابی، سیستمی بسته (بدون ارتباط با محیط خارج)، درون‌نگر (هر چه هست در درون سیستم است)، جزئی‌نگر (توجه صرف به ابعاد درونی سیستم)، ایستا، خطی و هنجاری تلقی می‌شود<sup>۳</sup> که کیفیت هر کدام از موارد مذکور به عنوان زیربناهای اساسی اثربخشی قلمداد می‌شوند. با این وصف، از نقطه نظر دیدگاه سیستم عقلایی بسته، کلاس درس قبل از هر چیز، سیستمی جهت تحقق اهداف از پیش تعیین شده می‌باشد که همانند یک خط تولید در راستای اهداف و مطابق برنامه‌ی تعیین شده در یک مسیر مشخص و مرحله بندی شده عمل می‌کند و فراگیران که اصلی‌ترین درونداد آن محسوب می‌شوند مطابق با برنامه‌ی یکسانی پردازش می‌شوند تا واجد کیفیت‌های مطلوب از پیش تعیین شده گردند.

از نقطه نظر این دیدگاه، برنامه‌ی درسی بر سندی مکتوب یا راهنمای برنامه‌ی درسی و مجموعه تصمیمات اتخاذ شده از سوی برنامه‌ریزان جهت هدایت جریان یادگیری تأکید دارد که محتوا و روش فعالیت‌های کلاسی را به صورت متمرکز مشخص می‌سازد (مهرمحمدی، ۱۳۸۰: ۲۲۹). لذا تأکید ویژه‌ی این رویکرد بر عقلانیت، رسمیت، تقسیم کار، تعیین بخشی شدید

---

<sup>۱</sup>عقلانی به معنای عقلانیت کارکردی: یعنی طرح ریزی، سازماندهی و اجرای مجموعه‌ای از فعالیت‌ها به نحوی که منجر به تحقق اهداف از پیش تعیین شده با حداکثر کارایی - صرف کمترین نیرو و هزینه - شود(اسکات، ۱۳۸۷؛ هوی و میسکل، ۲۰۱۱)

<sup>۲</sup>Close Rational System

<sup>۳</sup>البته امروزه سیستم عقلانی لزوماً به منزله‌ی سیستم بسته نیست، بلکه دیدگاه‌های سیستمی عقلایی باز نیز مطرح گردیده است.

مفهوم سازی رویکردهای سیستمی عقلایی، طبیعی و باز به مدیریت کلاس درس: چارچوبی برای تحقیق و توسعه □ ۷۵

به اهداف، تفکیک حوزه‌ها و موضوعات درسی، استانداردسازی و نظارت می‌باشد (هوی و میسکل، ۲۰۱۳).

علاوه بر این، در این دیدگاه به تدریس به مثابه‌ی فعالیت تولیدی مشخص نگریسته می‌شود که در جهت تحقق اهداف تعیین شده با محتوایی کاملاً از پیش تعیین شده و به روشی تقریباً یکسان در مورد همگان اعمال می‌شود. بنابراین، بدلیل تأکید بر اهداف عینی، دستورالعمل‌های فراگیر واحدی جهت تدریس تهیه می‌شود و در اختیار یاددهندگان گذاشته می‌شود تا همچون بنایی طبق نقشه‌ی معمار، خشت‌هایی را بر هم بچینند تا ساختمان مدنظر ساخته شود (آیزنر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). بدین ترتیب یادگیرندگان همچون مواد خام یا لوح سفیدی تلقی می‌شوند که نقشی از یک منظومه‌ی دانش، نگرش و مهارتی که توسط دیگران معدود برای آنها مفید تشخیص داده شده است، بر آنها زده شود.

در مجموع می‌توان گفت از دیدگاه سیستم عقلایی بسته، کلاس درس یک پدیده‌ی عقلایی قلمداد می‌شود که در پی هدف یا اهداف معینی است. لذا با این نگاه اثربخشی سیستم از نوع اثربخشی درونی یعنی دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده و کارایی آن از نوع کارایی اقتصادی به مفهوم تحقق اهداف تعیین شده با صرف کمترین هزینه و بهترین روش قلمداد می‌شود (جدول شماره ۱).

### **رویکرد سیستم طبیعی به مدیریت کلاس درس**

برخلاف دیدگاه سیستم عقلانی، از دیدگاه سیستم طبیعی کلاس درس فراتر از اینکه ابزار تحقق اهداف تعیین شده محسوب شود، یک گروه اجتماعی است که جهت سازگاری و بقا در شرایط خاص خود تلاش می‌کند. به عبارتی این دیدگاه منکر اهداف و ساختار رسمی نیست، اما بر آن باور است که کلاس درس بنا به ماهیت و صبغه‌ی غالب انسانی و اجتماعی که دارد به صورت گروه یا گروه‌های اجتماعی تکوین و تشکیل می‌یابد و در آن قالب رفتار می‌کند. لذا افراد — به عنوان یک پدیده‌ی سازمانی — در چنین رویکردی مهمترین رکن کلاس محسوب می‌شوند که با خود موضوعات، عقاید و انتظارات متفاوتی را همراه می‌آورند و دارای ارزش‌ها،

---

<sup>۱</sup>Eisner

عقاید و توانایی‌های متفاوتی هستند (هوی و میسکل، ۲۰۱۳). بر مبنای همین مشخصات، سازمان غیررسمی به صورت خودجوش و موقعیتی در نتیجه‌ی معاشرت میان افراد پدید می‌آید و چه بسا بر مبنای این ساختار سنخیتی میان اهداف رسماً بیان شده و آنچه در عمل پیگیری و محقق می‌شود دیده نشود (اسکات، ۱۳۸۷).

به باور این دیدگاه، برنامه چندان ارزش کارکردی ندارد. زیرا هیچ برنامه‌ای قادر به پیش‌بینی همه‌ی جوانب، شرایط و فرصت‌ها، فعالیت‌ها و افراد کلاس به دلیل پویایی رفتار و روابط آنها نیست. لذا هر نوع برنامه و برنامه‌ریزی برای رفتار آموزشی گمراه‌کننده می‌باشد (اسکات، ۱۳۸۷). بر این اساس، برنامه‌های رسمی و متمرکز بدلیل عدم توجه به بُعد انسانی کمتر به مرحله‌ی اجرای کامل خواهند رسید، زیرا با اندکی احتیاط می‌توان گفت طبق رویکرد سیستم طبیعی، برنامه‌ی درسی نهایتاً یک صبغه‌ی واکنشی نسبت به شرایط درونی سیستم ارگانیک کلاس که بیش از همه چیز، متأثر از ویژگی‌های افراد و روابط اجتماعی آنها با یکدیگر می‌باشد به خود می‌گیرد.

علاوه بر این، از منظر این دیدگاه، تدریس موفق، فعالیتی است متناسب با ویژگی‌های فراگیران و جوّ عمومی حاکم بر کلاس که لازمه‌ی آن شناخت ویژگی‌های فراگیران، تشخیص جوّ کلاس، توانایی یاددهنده در ایجاد فضاسازی و احساس نیاز در فراگیران است. بنابراین ویژگی‌های فردی و مهارت‌های روابط بین فردی و اجتماعی یاددهنده به منظور ایجاد جوّ غیررسمی و دوستانه مهم تلقی می‌شود تا بر این اساس ضمن تحقق مطلوبیت‌های رسمی، نیازها و منافع فراگیران و گروه‌های موجود در کلاس نیز تأمین شود و زمینه‌ی رضایت یاددهنده و یادگیرنده از تدریس فراهم آید.

مطابق با مطالب مذکور می‌توان گفت مطابق با این رویکرد، اثربخشی سیستم (در اینجا مدیریت کلاس درس) از نوع اثربخشی درونی یعنی تحقق مطلوبیت‌ها متناسب با ویژگی فراگیران و شرایط کلاس از طریق یک رفتار مناسب و کارایی آن نیز از رویکرد روابط انسانی،



مفهوم سازی رویکردهای سیستمی عقلایی، طبیعی و باز به مدیریت کلاس درس: چارچوبی برای تحقیق و توسعه □ ۷۷

تحقق انتظارات و منافع افراد و جلب رضایت و انگیزش حاصل از آن در یاددهنده و یادگیرنده می‌باشد (جدول شماره ۱).

### رویکرد سیستم باز به مدیریت کلاس درس

از منظر دیدگاه سیستم باز نیز سیستم (مدیریت کلاس درس)، نه تنها جزئی از فراسیستم (محیط) خود محسوب می‌شود و از آن تأثیر می‌پذیرد، بلکه بدلیل اینکه محیط به عنوان مرجع نظم و دستور برای سیستم محسوب می‌شود به آن وابسته می‌باشد، لذا مطابق با این دیدگاه رفتار سیستم نه تنها تابعی از تقاضای محیطی، ویژگی‌های سیستم، موقعیت کلی سیستم و تعاملات آنهاست بلکه همه‌ی این موارد در یک کنش واگشتی از رفتار سیستم تأثیر می‌پذیرند.

شایان ذکر است، سیستم باز به دلیل تعامل با محیط واجد ویژگی‌های مهمی از جمله بازخورد — اطلاعاتی که سیستم را قادر به اصلاح می‌کند — می‌باشد که بر مبنای آن نسبت به وضعیت و محیط خود آگاهی می‌یابد و به ترمیم کاستی‌های خود (آنتروپی منفی) و حفظ توازن میان فعالیت‌ها و حالت تعادل پایدار خود می‌پردازد (هوی و میسکل، ۲۰۱۳؛ رایبیز، ۱۳۹۱). علاوه بر این، در سیستم باز بدلیل پویایی و تکثر موقعیت‌ها، بر حسب شرایط و موضوع مدنظر امکان استفاده از شیوه‌های همپایانی<sup>۱</sup> یا چند پایانی<sup>۲</sup> جهت تحقق نتایج مطلوب وجود دارد (رایبیز، ۱۳۹۱؛ علاقه بند، ۱۳۹۲). به عبارت دقیق‌تر از دیدگاه سیستم باز، به کلاس درس به عنوان سیستمی پویا و متحول نگریسته می‌شود که هم دارای ابعاد برنامه‌ریزی شده، ویژگی‌های عقلانی و ساختار رسمی است و هم مشتمل بر ابعاد برنامه‌ریزی نشده و نوپدید، ویژگی‌های غیرعقلانی و ساختار غیررسمی است. لازم به ذکر است که در چنین رویکردی ساختار کلاس نیز برآیند تعاملات درونی و تأثیرات محیطی است و اعتقاد به طراحی ساختار از قبل تعیین شده برای کلاس وجود ندارد (هوی و میسکل، ۲۰۱۳). بدین ترتیب، بدلیل پویایی‌های موجود، شرایط کلاس کاملاً موقعیتی است. به گونه‌ای که هر موقعیت برآیندی از تعامل عوامل و عناصر مختلف است. لذا هیچ بهترین راه واحدی برای سازماندهی و فعالیت‌های کلاسی

---

<sup>۱</sup> Equifinality

<sup>۲</sup> Multifinality

وجود ندارد بلکه هر موقعیت دارای اقتضائات خاص خود می‌باشد. بر این اساس، داشتن برنامه<sup>۱</sup> به عنوان یک مبنای راهنما جهت پیشبرد امور در پویایی‌ها و تلاطم‌های سیستم فراسیستم ضروری به نظر می‌آید. به عبارتی مطابق با این دیدگاه، از آنجا که نتایج یادگیری مشتمل بر مواردی غیر از اهداف قصد شده می‌باشد، برنامه‌ی درسی بیش از آنکه با اهداف از پیش تعیین شده سروکار داشته باشد، بر نتایج یادگیری توجه دارد (مهرمحمدی، ۱۳۸۰: ۲۳۰-۲۲۹). لذا با تغییری مختصر در تعریف آیزنر (۱۹۹۴) از برنامه‌ی درسی می‌توان گفت: «برنامه‌ی درسی... مجموعه‌ای از وقایع از قبل پیش‌بینی شده است که به قصد دستیابی به نتایج آموزشی و تربیتی برای یک یا چند فراگیر در نظر گرفته شده است [یا می‌شود]» (آیزنر، ۱۹۹۴: ۳۱).

از منظر این دیدگاه، تدریس فعالیتی موقعیتی و متأثر از ویژگی‌های چهار مقوله‌ی یاددهنده، یادگیرنده، موضوع درسی و شرایط محیطی درون و بیرون سیستم و تعاملات آنها با یکدیگر می‌باشد. با وجود این، بدلیل پویایی‌های موجود در سیستم باز، وضعیت کاملاً قابل پیش‌بینی نیست، لذا در این سیستم، استراتژی<sup>۲</sup> (یا شیوه‌ی کلی) تدریس جایگزین طرح درس می‌شود.

همچنین در این دیدگاه نقش یاددهنده، هدایت جریان یادگیری در کلاس متناسب با شرایط و اقتضائات موقعیتی در قالب نوعی مدیریت تغییر می‌باشد که ایفای احسن چنین نقشی منوط به توانایی یاددهنده در تشخیص و یا ساخت فرصت‌ها و بهره‌برداری از آنهاست. به عبارتی ایفای چنین نقشی مستلزم آن است که یاددهنده علاوه بر توانایی کاربرد دانش، روش‌ها، فنون و تجهیزات لازم در تدریس (مهارت‌های فنی)، از مهارت‌های ادراکی و انسانی بالایی نیز برخوردار باشد. به علاوه از نظر این دیدگاه، یادگیرندگان موجوداتی منفعل و همچون لوح سفیدی در نظر گرفته نمی‌شوند؛ بلکه همچون عامل انسانی فعالی که دائم در تعامل با محیط و محرک‌های بیشماری قرار دارند مورد توجه قرار می‌گیرند.

<sup>۱</sup> به معنای توالی مشخص از امور معین و فعالیت‌های پیش‌بینی شده در محیط ثابت

<sup>۲</sup> تصور شماری از سناریوها بر مبنای تصمیم‌گیری آغازین یا تشخیص

مفهوم سازی رویکردهای سیستمی عقلایی، طبیعی و باز به مدیریت کلاس درس: چارچوبی برای تحقیق و توسعه □ ۷۹

بر مبنای موارد مذکور، اثربخشی یک سیستم باز از نوع بیرونی می‌باشد و تا حدودی اثربخشی نهادی را نیز دنبال می‌کند که تحقق آن مستلزم کسب آگاهی و تعاملات مؤثر با عوامل محیطی می‌باشد (رابینز، ۱۳۹۱). بنابراین می‌توان گفت در سیستم‌های باز به منظور دستیابی به اثربخشی بیرونی، محصولات سیستم بایستی متناسب با شرایط، اقتضائات و خواسته‌های واقعی محیط و پاسخگوی آنها باشد؛ به نحوی که در محیط جذب و کارگر واقع شود. کارایی نیز در چنین سیستم‌هایی معادل تشخیص، سازگاری و عمل با حداقل هزینه و جذب و ذخیره منابعی از محیط می‌باشد که برای استمرار بقا و توسعه‌ی آن لازم و ضروری است (جدول شماره ۱).

### جمع بندی

کلاس درس به عنوان یک سیستم اجتماعی، محلی برای تعلیم و تربیت است. کلاس درس در واقع صحنه عملی عملیات آموزشی و تا حد زیادی پرورشی است. به گونه‌ای که می‌توان گفت این سیستم اجتماعی پربعد و پیچیده با ایجاد فرصت‌های یادگیری و تسهیل فرایند یاددهی - یادگیری، عملاً اثربخشی و کارایی مراکز آموزشی را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهد. آنچه در این بین از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد، کیفیت مدیریت کلاس درس است. اهمیت کلاس درس در این است که در واقع کیفیت و عملکرد سیستم، روش‌ها و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری را در کلاس درس و به تبع آن نتایج حاصل را رقم می‌زند. البته همانطور که ذکر شد کیفیت مدیریت کلاس درس تحت تأثیر نگاه سیستمی مدرسان به کلاس درس و نحوه مدیریت آن می‌باشد. به گونه‌ای که اتخاذ هر کدام از رویکردهای سیستمی عقلایی، طبیعی یا باز به دلیل اینکه تعیین کننده شیوه اندیشیدن و عمل متفاوت راجع به مدیریت کلاس درس می‌باشد، منجر به بروز رویکردهای مفهومی و توسعه ساختارهای ذهنی و عملیاتی متفاوتی در قبال کلاس درس، فعالیت‌ها و محتوای آرمی شود و بالتبع عملکرد و نتایج متفاوتی را به بار خواهد آورد.

به عنوان مثال همانطور که ذکر شد چنانچه رویکرد سیستمی عقلایی برای مدیریت کلاس درس اتخاذ شود، به دلیل اینکه مدرسان، کلاس درس را وسیله‌ای جهت نیل به اهداف مشخص از قبل طراحی شده می‌دانند، با تأکید بر نتیجه‌مداری، شرطی‌سازی، اقتدار سازمانی، کنترل

مقتدرانه و ارزشیابی پایانی، مدیریت و جوّ کلاس درس را به سمت مدیریت و جوّ آمرانه و غیرپویا سوق می‌دهند. در حالی که با اتخاذ رویکرد سیستمی طبیعی به دلیل تأکید بر فعالیت‌های گروهی، کلاس درس بیش از اینکه ابزاری جهت نیل به اهداف محدود و مشخص باشد، اساساً به عنوان مجموعه‌ای از گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شود که برای تطابق و بقا در محیط خاصی (کلاس درس) تلاش می‌کند. با این وصف چنانچه مدرسان رویکرد سیستمی طبیعی را برای مدیریت کلاس درس اتخاذ نمایند، به جای تأکید بر ساختارهای هنجاری و توجه به تصمیمات متمرکز و طرح‌ها و اقدامات پیشنهادی، با تأکید بر ساختارهای رفتاری، به مدیریت آنچه اتفاق می‌افتد می‌پردازند و با تمرکز بر فعالیت‌ها - به جای نتایج - در راستای افزایش تعهد و انگیزش فراگیران تلاش می‌نمایند.

بر خلاف دو رویکرد مذکور، رویکرد سیستمی باز، با تأکید بر تعامل بین کلاس درس و محیط تعاملی آن، ضمن توجه به اهداف کلاس درس و نیاز فراگیران، اقدام به اتخاذ شیوه‌های مختلف مدیریتی کلاس درس بر حسب شرایط و اقتضائات محیطی می‌نماید. در چنین شرایطی، مدرسان با تأکید بر یادگیری، رهبری پویا، شیوه‌های آموزشی فراگیرمحور، آموزش خلاقیت، تفکر انتقادی، مهارت حل مسأله، مهارت اجتماعی، انتخاب الگوهای فعال تدریس و انجام ارزشیابی مستمر، به ادراه کلاس درس، متناسب با انتظارات محیط تعاملی کلاس می‌پردازد.

مفهوم سازی رویکردهای سیستمی عقلایی، طبیعی و باز به مدیریت کلاس درس: چارچوبی برای تحقیق و توسعه □ ۸۱

جدول ۱: انواع رویکردهای سیستمی به مدیریت کلاس درس

کارایی	اثربخشی	یادگیرنده	نقش یاددهنده	تدریس	برنامه ریزی درسی	کلاس درس	ویژگی ها (مبانی و مفروضات)	ابعاد دیدگاه سیستمی
کارایی اقتصادی؛ تحقق اهداف تعیین شده یا کمترین هزینه و زمان.	اثربخشی درونی؛ دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده	ماده ی خام یا لوح سفیدی که باید بر آن نقش مطلوب زده شود.	یابکی که طبق نقشه ی معمار کُشت های را روی هم می چسبند.	مورد همگان اعمال می شود.	سندی مکتوب یا راهنمای برنامه ی درسی که به صورت شمرکز از سوی برنامه ریزان معین و برای هدایت دقیق جریان یاددهی تنظیم شده است.	یک خط تولید که باید در راستای اهداف تعیین شده و مطابق برنامه تعیین شده در یک مسیر مشخص و مرحله بندی شده عمل نماید؛ عدم توجه به کارایی بیرونی	بسته انگاشتن سیستم و عدم توجه به محیط؛ ثابت و خطی انگاشتن وضعیت؛ دیدگاه درونگر؛ جزئی نگرفتن خطی و هنجاری درباره سیستم؛ تأکید بر عقلانیت (تعیین هدف و رسمیت)؛ قابل به وجود یک بهترین راه و امکان تعیین و ترسیم آن برای نیل به اهداف؛ عدم توجه به تعاملات درونی و بیرونی؛ عدم توجه به بند انسانی.	عقلایی (بسته)
رضای نیازها و تأمین منافع فراگیران و رضایت یاددهنده و یادگیرنده.	اثربخشی درونی؛ تحقق مطلوبیت ها متناسب با ویژگی های فراگیران و کلاس درس (به نحوی که نتایج چاشنی مخربی نداشته باشد).	افراد انسانی دارای ویژگی ها، ارزش ها و انتظارات و نیازهای خاص؛ اعضای اجتماعی درون کلاس؛ دارای قدرت نسبی برای تأثیرگذاری بر جریان تدریس و اثربخشی	مدیریت کلاس از طریق یک رفتار سیاسی به گونه ای که در عین تحقق مطلوبیت های رسمی منظر، نیازها و منافع فراگیران و گروه های موجود در کلاس تأمین شود.	متناسب با (در واکنش به) ویژگی های فراگیران و جو عمومی کلاس طرح ریزی و ارائه می شود؛ ارضای نیاز و رضایت یاددهنده و یادگیرنده نکته ای اساسی و تعیین کننده است.	برنامه ی درسی رسمی عملاً "تحت شعاع" پویایی های روابط اجتماعی و فضای غیررسمی قرار می گیرد و چندان ارزش کارکردی ندارد؛ صیغه ی واکنشی دارد.	به صورت گروه یا گروه هایی تشکیل می یابد و عمل می شود؛ افراد و ویژگی آنها مهمترین رکن کلاس اند؛ به مطالعه ی ارگانیزمی است که در برابر ناهماهنگی واکنش نشان می دهد.	آن؛ صیغه ی اجتماعی سیستم های انسانی و افراد به عنوان مهم ترین بعد سیستم؛ وجود ایجاد و سازمان غیررسمی در سیستم و نقش تعیین کننده ی آن در رفتار؛ تفاوت بین رفتار و سازوکارهای رسمیاً بیان شده؛ قائل به گمراه کننده بودن برنامه ریزی و عدم امکان تهیه ی برنامه ی چاشنی؛ بیان اینکه؛ تربیبات رسمی و متمرکز موجب بروز ناآرامی ساختار یافته و محرومیت از ارزشمندترین منابع می گردد.	طبیعی

ادامه جدول شماره ۱: انواع رویکردهای سیستمی به مدیریت کلاس درس

دیدگاه سیستمی	ایجاد	ویژگی‌ها (مبانی و مفروضات)	کلاس درس	برنامه ریزی درسی	تدریس	نقش یاددهنده	یادگیرنده	الترپزشمی	کارایی
	باز	محبط متبح و مرتب نظام و دستور است و شامل با آن عامل انسانی برای پدای سیستم است؛ رفتار سیستم تابعی از تفاصهاى محبطن، ویژگی‌هاى سیستم و موقعیت کلی سیستم و تعاملات آنهاست؛ تاکی بر ویژگی‌هاى جهمی چون بازخورد، آگاهی از محبطن، آتروفن و مطن، حفظ حالت تعادل، پایداری، پویایی و پیچیدگی سیستم، ضرورت انعطاف-پذیری، موقعیتی بودن شرایط	سیستمی پویا و متحول و مشتمل بر ایجاد عطایی و غیرعطایی، برنامه ریزی شده و ندمه رسمی و غیررسمی و واجد شرایط موقعیتی و اقتضایی است؛ در عین حال هر کلاس برای خود دارای فرهنگ خاصی است.	تاکید بر برنامه ریزی درسی به عطایی استراتژی، مجموعه‌ای از وقایع از قبل پیش-بینی شده و رویشی که به قصد دستیابی به نتایج آموزشی و تربیتی برای فراگرفان در نظر گرفته شده یا می‌شود.	فعالیتی موقعیتی است که منظر از ویژگی‌های یاددهنده، یادگیرنده، موضوع درسی و شرایط محیطی درون و بیرون کلاس شکل می‌گیرد تاکی بر استراتژی تدریس به جای طرح درس	هدایت جریان یادگیری در کلاس متناسب با شرایط و اقتضائات موقعیتی در قالب توفی مدیریت تغییر و تاکی بر تخصص یا ایجاد فرصت‌ها و به‌دزداری از آنها.	یک عامل انسانی فعال که به طور دائم در تعامل با محبطن است و به طور مستمر متحول می‌شود. او فضاها را درک می‌کند و موامل و محرک‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه و تطابقت می‌کند.	الترپزشمی بیرونی: تناسب خروجی اقتضائات و خواسته-های واقعی محبطن و پاسخگویی به آنها به گونه‌ای که در محبطن جذب و کارگر واقع شود. بر این مبنا الترپزشمی بیرونی برای دستیابی به سطحنی از الترپزشمی بهادی است	تخصصی، سازگاری، عمل به نبوی که الترپزشمی یا حداقل هزینه (اهم از مادی و غیرمادی) محقق شود و جنب و ذخیره سازی منابع لازم از محبطن برای استمرار پدای توسعه سیستم.

## فهرست منابع

- اسکات، ریچارد (۱۳۸۷). *سازمانها: سیستم های عقلایی، طبیعی و باز*. ترجمه: حسن میرزایی اهرنجانی و فلورا سلطانی تیرانی، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- ترک زاده، جعفر؛ محمدی، مهدی؛ قاسمی قاسموند، محمودرضا (۱۳۹۳). ارزیابی اثربخشی درونی، بیرونی و نهادی سیستم آموزش در شرکت پتروشیمی اروند. *علوم انسانی و هنر*، سال اول، شماره ۴، فروردین، صص ۱۲۵ - ۱۴۰.
- حمیدی زاده، محمدرضا (۱۳۷۹). *پویایی سیستم*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- دیویس، ک. و نیواستروم، ج. (۱۳۷۷). *رفتار انسانی در کار (رفتار سازمانی)*. ترجمه: محمدعلی طوسی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- رابینز، الف. (۱۳۹۱). *تئوری سازمان: ساختار، طراحی و کاربردها*، ترجمه: سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، تهران: صفار.
- رجایی پور، سعید؛ کاظمی، ایرج و آقاحسینی، تقی (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین مؤلفه های مدیریت کلاس درس و جو یادگیری در مدارس راهنمایی اصفهان. *پژوهش های تربیتی و روانشناختی*، سال چهارم، شماره اول، پیاپی ۹، بهار و تابستان، صص ۲۳ - ۴۰.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۶). *مهارت های آموزشی و پرورشی روش ها و فنون تدریس*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها.
- صمدی، پروین؛ رجائی پور، سعید؛ آقاحسینی، تقی و قلاوندی، حسن (۱۳۸۷). تبیین جو یادگیری اثربخش بر اساس مؤلفه های مدیریت کلاس در مدارس راهنمایی شهر ارومیه. *اندیشه های نوین تربیتی*، دوره ۴، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان، صص ۱۵۵ - ۱۷۶.
- علاقه بند، علی (۱۳۹۲). *مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی*. چاپ یازدهم، تهران: نشر روان.
- فضلیخانی، منوچهر. (۱۳۸۲). *روش های تدریس فعال و مشارکتی*، تهران: وزارت آموزش و پرورش، انتشارات تربیت.

- مدنی، داود (۱۳۷۲). *مقدمه ای بر تئوری های سازمان و مدیریت*. تهران: نشر دانشگاه پیام نور.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۰). *برنامه ی درسی در علوم تربیتی: ماهیت و قلمرو آن*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- Djigic, G., & Stojiljkovic, S. (۲۰۱۱). Classroom management styles, classroom climate and school achievement. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, ۲۹, ۸۱۹ - ۸۲۸.
  - Eisner, E. (۱۹۹۴). *The Educational Imagination: One the Design and Evaluation of School Programs*. 3<sup>rd</sup> ed, U. S. A: Macmillan College Publishing Company.
  - Evertson, C. M., & Weinstein, C. S. (۲۰۰۶). *Classroom management as a field of inquiry*. In C. M. Evertson, & C. S. Weinstein's (Eds.). *Handbook of classroom management: Research, practice, and contemporary issues* (pp. ۳۵۱-۳۶۵). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
  - Hoy, W. & Miskel, C. (۲۰۱۳). *Educational Administration*. U. S. A: McGraw Hill.
  - Konti, F. (۲۰۱۱). Teachers and Students Perceptions towards teachers' classroom management applications in primary schools. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, ۱۵, ۴۰۹۳-۴۰۹۷.
  - Nakamura, Raymond, (۲۰۰۰). *Healthy Classroom Management, Canada*.
  - Ritter, J.T & Hancock, D. R. (۲۰۰۷). *Exploring the relationship between certification of source , experience Levels and classroom management orientations of classroom teacher*. USA colleof North Carolina at charlotte, charte, NC۲۸۲۲۳ ۰۰۰۱, USA, Received ۲۵ August ۲۰۰۴.



مفهوم سازی رویکردهای سیستمی عقلایی، طبیعی و باز به مدیریت کلاس درس: چارچوبی برای تحقیق و توسعه □ ۸۵

- Shobe , Robert, (۲۰۰۳). *A Classroom Management Technique a Survey of in*۵۴,<http://www.ProquestCarcerated>, *Adult Stusents:Journal of correctional Education* , lanham.
- Williams & Sternberg,(۲۰۰۰). *Classroom management*.<<http://Muskinggom.Seul~call~data base / organization. html./>>

۸۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال ششم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۴